

دفاع تهاجمی روسیه در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین؛ ماهیت و چالش‌ها

دکتر علیرضا نوری* - استادیار روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
دکتر حیدرعلی مسعودی - استادیار روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵

چکیده

هدف این مقاله بررسی چرایی ورود روسیه به جنگ ۲۰۲۲ اوکراین با تأکید بر "راهبرد دفاع تهاجمی" است. مجموعه متون، اظهارات و اسناد روسی نشان از درک این جنگ به عنوان جنگی نیابتی دارد که از سوی آمریکا و در قالب راهبرد مهار تهاجمی علیه مسکو عملیاتی شده است. هدف این راهبرد و جنگ قبض کارگزاری و مزیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه با اثرگذاری منفی بر سه مولفه مهم هویت (جهان روسی)، سیاست (قدرت بزرگی) و امنیت (موازنه و امنیت راهبردی) است. از این رو، احساس تهدید در سطوح مختلف فردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از ناحیه آمریکا و جنگ اوکراین در روسیه احساس شده است. این مقاله، به کمک نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک که در کنار مولفه‌های کلان‌نگر از جمله ساختار، عوامل سطح خرد چون ادراک نخبگان را نیز در نظر می‌گیرد، تلاش دارد چرایی ورود روسیه به جنگ پرهزینه اوکراین را تحلیل کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که به تبع درک بالای تهدید در سطوح مختلف فردی و ساختاری از ناحیه نفوذگذاری آمریکا در خارج نزدیک (تر) و انگاره "اوکراین، سنگر آخر"، گرمین خود را در "اجبار" ورود به جنگ دیده است. نظر به تواتر اقدامات تضعیف‌ساز آمریکا علیه روسیه در قالب راهبرد "مهار تهاجمی"، گرمین "راهبرد دفاع تهاجمی فعال" را با تأکید بر کنش پویا و مبتکرانه راهکار بهینه‌تری برای تأمین منافع و امنیت خود یافته و با این راهبرد وارد جنگ اوکراین شده است. هرچند این راهبرد دستاوردهای کوتاه‌مدتی در کاهش نسبی سطح تهدید داشته، اما هزینه‌ها و چالش‌های بلندمدت آن، روسیه را به احتیاط در کاربست بیشتر این راهبرد و خواهد داشت. نظر به تمرکز موضوعی مقاله بر رویکرد و سیاست روسیه، از بررسی مواضع سایر طرف‌ها از جمله اوکراین صرف‌نظر شده است.

واژه‌های کلیدی: روسیه، جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، خارج نزدیک‌تر، آمریکا، ناتو، واقع‌گرایی نوکلاسیک.

۱. مقدمه

جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، به‌عنوان بزرگترین جنگ اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم در میان ابهامات زیاد آغاز شد و به سرعت کارگزاران مختلف دولتی از جمله امریکا، دولت‌های اروپایی و حتی ایران؛ بین‌دولتی از جمله ناتو و غیردولتی از جمله شرکت‌های مشارکت‌کننده در تحریم روسیه حتی مک‌دونالدز را خواسته یا ناخواسته درگیر کرد. موضوعات متنوع از مسائل کلانی چون تغییر ساختار نظم بین‌الملل تا مسائل امنیتی چون امنیت هسته‌ای، انرژی و غذایی؛ سیاسی چون ائتلاف‌سازی‌های جدید؛ اقتصادی چون تحریم روسیه و مسائل خردتری چون محیط‌زیست نیز مستقیم و غیرمستقیم با این جنگ مرتبط شدند. وجود متغیرهای متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و اصرار طرفین اصلی جنگ یعنی روسیه و امریکا بر بازی صفر در زمین اوکراین بر پیچیدگی‌ها افزوده است.

مقوله جنگ نیابتی و سطح تحلیل بین‌الملل به نحوی در این جنگ پراهمیت است که خاتمه آن تنها در صورت مصالحه مسکو و واشنگتن قابل تصور و در این بین، متغیر کم‌اهمیت خود اوکراین است. شواهد اندکی وجود دارد که مسکو، کی‌یف، بروکسل و واشنگتن از مواضع خود عقب‌نشینی کنند. پیوستگی‌های متقابل میان روسیه و اروپا از جمله در بحث انرژی و آسیب‌پذیری متقابل میان امریکا و روسیه از جمله در موضوع امنیت و ثبات راهبردی باعث مصالحه نشده است. کرم‌لین مصمم به تحقق اهداف خود از جمله تسلیم کردن اوکراین به خواسته‌های خود است، واشنگتن مایل نیست هدیه بزرگ پوتین (آغاز جنگ اوکراین) را پس بزند و به دنبال استفاده حداکثری از این جنگ است، بروکسل خود را تابع واشنگتن کرده و اوکراینی‌ها نیز همچنان به حمایت غرب برای عقب‌راندن روسیه و الحاق به ساختارهای غربی امیدوارند.

در این بین، موضع و کنش روسیه قابل تأمل و موضوع تمرکز این پژوهش است. کرم‌لین در این جنگ خود را در انتخابی اجباری میان بد و بدتر می‌دید. اگر به نفوذگذاری تهاجمی ناتو و امریکا در اوکراین بی‌تفاوت می‌ماند، موازنه، امنیت و عمق راهبردی آن آسیب می‌دید و اگر وارد جنگ می‌شد، با هزینه‌های زیاد مواجه بود. رویکرد سخت‌انگار به مقوله‌های امنیت، موازنه و ژئوپلیتیک

و واقعیت وجود تهدیدات مختلف امنیتی در مسئله اوکراین، روسیه را به راه حل دوم سوق داد. لذا، چرایی ورود و ادامه این جنگ پرهزینه از سوی آن جز از منشور امنیت و تبارشناسی این موضوع در روابط مسکو با امریکا/غرب قابل توضیح نیست. براین اساس، درک تهدید از ناحیه اوکراین به عنوان حلقه‌ای از زنجیره کنش‌های تهاجمی امریکا علیه روسیه در قالب راهبرد مهار تهاجمی، کرملین را به تلاش برای دفع این تهدید با راهبرد "دفاع تهاجمی" واداشت.

با این ملاحظه، هدف مقاله بررسی دلایل ورود روسیه به جنگ اوکراین در چهارچوب این راهبرد است. برای تحقق این هدف، در ابتدا به واقع‌گرایی نوکلاسیک و توجه همزمان آن به مولفه‌های خرد و کلان به عنوان نظریه تحقیق پرداخته خواهد شد. در ادامه، چستی جنگ ۲۰۲۲ اوکراین برای روسیه بحث می‌شود. در بخش سوم، سطوح تحلیل مختلف درگیر در جنگ اوکراین تحلیل می‌شوند. در بخش چهارم، راهبرد دفاع تهاجمی مسکو در جنگ اوکراین بررسی شده و در ادامه چالش‌های این راهبرد تحلیل خواهند شد. نهایتاً مقاله با نتیجه‌گیری خاتمه خواهد یافت و امید دارد یافته‌های آن در فهم بهتر ابعاد جنگ ۲۰۲۲ اوکراین موثر باشد. شایان ذکر است که با توجه به تمرکز موضوعی مقاله یعنی واکاوی رویکرد و سیاست روسیه (همچنان‌که در عنوان آمده)، از بررسی مواضع سایر طرف‌ها از جمله اوکراین که طبعاً دلایل منطقی خود را برای احساس تهدید از ناحیه روسیه و مقابله با آن به کمک غرب دارد، صرف نظر شده است.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش مروری توصیفی-تحلیلی استفاده و در چهارچوب آن محتوای متون علمی، منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسناد بالادستی مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار می‌گیرند. هدف از تحلیل محتوا، شناسایی متغیرهای اصلی دخیل در موضوع، شاخص‌های عملیاتی، واحدهای تحلیل و ارتباط بین متغیرها است. لذا در کنار توصیف موضوع و تبارشناسی آن، سرمباحث استخراج شده از موضوع از طریق شاخص‌های عملیاتی نظریه در یک چهارچوب عملی تحلیل می‌شوند. در روش مروری از تبیین موضوع از سوی تحلیل‌گر به عنوان افزوده علمی و نوآوری استفاده می‌شود.

۳. چهارچوب نظری؛ واقع‌گرایی نوکلاسیک

رنالیست‌های ساختاری با تأکید بر سطح تحلیل بین‌الملل، ساختار را مهم‌ترین متغیر در چرایی رفتار مشابه دولت‌ها، بروز جنگ‌ها، چگونگی توزیع قدرت و مسئله ثبات و بی‌ثباتی در نظام می‌دانند (Marsh, 2012: 488). لذا، پرسش اساسی آنها این است که چرا دولت‌ها در شرایط سیستمی یکسان رفتار مشابه دارند. برخلاف این نظریه، در واقع‌گرایی نوکلاسیک پرسش اصلی این است که چرا دولت‌هایی که در شرایط سیستمی نسبتاً شبیه قرار دارند، رفتار بین‌المللی متفاوتی بروز می‌دهند؟ (Marsh, 2014: 121). رفتار متفاوت دولت‌ها به‌ویژه در شرایط بی‌ثباتی ساختار و گذار به نظم جدید که مکانیسم‌های نظم‌دهنده آن تضعیف می‌شوند، بیشتر نمایان است. از این نظر، رویکردهای چندسطحی و چندمتغیره از جمله واقع‌گرایی نوکلاسیک نسبت به نظریه‌های کلان‌نگر چون واقع‌گرایی ساختاری در توضیح تفاوت‌های رفتاری دولت‌ها کارآمدتر هستند. لذا همان‌طور که سالتزمن اشاره می‌کند، برای درک بهتر سیاست خارجی، بررسی فرآیندهای منحصر به فرد و زمینه‌های محلی شکل‌یابی سیاست خارجی در هر کشور که منجر به واکنش‌های متفاوت به محیط خارجی مشابه می‌شوند، ضروری است (Saltzman, 2015: 506). گیدئون رُز و رندال شولر از نظریه‌پردازان این نحله از واقع‌گرایی هستند که با رد تعیین‌کنندگی تام متغیر ساختار در چگونگی رفتار دولت‌ها، سطح تحلیل خرد را نیز مهم می‌دانند. لذا، هرچند این نظریه بر مبانی واقع‌گرایی شکل گرفته و متغیرهای سیستمی از جمله آنارشی و ساختار را همچنان پراهمیت می‌داند، اما بر بایستگی توجه به سطح داخل نیز تأکید دارد (Becker and et al, 2016: 116-117). واقع‌گرایی نوکلاسیک در واقع راه فراری از محدودیت‌های توضیحی واقع‌گرایی ساختاری است و به آن دو اشکال وارد می‌کند؛ اول اینکه، رفتار دولت‌ها ساده و خطی نیست. دوم، شکل و نحوه رفتارها به ویژگی‌های جامعه و سیاست‌گذارانی نیز بستگی دارد که به‌عنوان متغیرهای میانجی بین محیط بین‌الملل و رفتار سیاست خارجی قرار دارند (Rose, 1998: 149).

از این منظر چندسطحی، شولر در پاسخ به این سؤال که چرا دولت‌ها در شرایط یکسان سیستمی رفتار متفاوتی دارند، سطح خرد و تفاوت بازیگران سیاسی - اجتماعی و ویژگی‌های خاص جوامع

و دولت‌ها را دخیل می‌داند (Schweller, 2004:168). لذا، سهم واقع‌گرایی نوکلاسیک در توسعه نظری رئالیسم، تلاش آن برای اهمیت‌بخشی به متغیرهای سطح داخل و توضیح چرایی رفتار متفاوت دولت‌ها در شرایط سیستمی مشابه است. باین ملاحظه، از دید واقع‌گرایی نوکلاسیک، اثر عملیاتی ساختار از طریق متغیرهای مداخله‌گر سطح داخل تعدیل می‌شود (Watai, 2021: 445).

این متغیرها در سه قالب قابل بررسی هستند؛ (۱) ادراکات نخبگان، (۲) فرآیند سیاست‌گذاری و (۳) اجرا. این سه فرآیند خود تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نظام اعتقادی فردی، فرهنگ استراتژیک، توانمندی‌های دولتی و تنش‌ها/رقابت‌های داخلی هستند و از این طریق بر رفتارهای خارجی دولت‌ها تأثیر گذاشته و آنها را از یکدیگر متفاوت می‌کنند (Rosa and et al, 2020:5). در تقسیم‌بندی دیگر، این متغیرها و عوامل در چهار سرموضوع؛ (۱) ادراک رهبران، (۲) فرهنگ استراتژیک، (۳) روابط دولت-جامعه و (۴) نهادهای داخلی بر سه روند؛ (۱) ادراک، (۲) تصمیم‌گیری و (۳) اجرا، تأثیر می‌گذارند و منجر به رفتارهای خارجی متفاوت می‌شوند (Watai, 2021:462).

لذا، در حالی که فشارهای سیستمی ممکن است کشورها را به یک رفتار مشابه سوق دهد، درک نخبگان، چگونگی اجماع نخبگانی و سطح توانمندی‌های دولت به‌عنوان متغیرهای میانجی ماهیت و شدت رفتار را تعیین می‌کنند. اگر نخبگان داخل در مورد ماهیت و اهمیت یک کنش یا در مورد مؤثرترین و مناسب‌ترین راهکار اختلاف نظر داشته باشند، نتیجه یک رفتار خارجی نامنسجم خواهد بود. حتی اگر نخبگان اجماع داشته باشند، اما سطح توانمندی‌های دولت برای بسیج منابع پایین باشد، در این صورت نیز رفتار متفاوتی حاصل می‌شود (Gvalia and et al, 2019:24).

با این ملاحظه، در انتخاب‌های سیاست خارجی دولت‌ها، نه تنها محیط خارجی، بلکه ایده‌ها و هویت‌ها به‌ویژه رهبران که تفاسیر خاص خود را از محیط خارجی و منافع کشور دارند نیز مؤثر هستند (Gvalia and et al, 2013:106). در اینجا، واقع‌گرایی نوکلاسیک بین منافع نسبی به‌عنوان یک مفهوم واقع‌گرا و برداشت رهبران به‌عنوان مفهومی سازه‌انگار، ارتباط برقرار می‌کند. به این معنی که برداشت رهبران به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر بر تفسیر یک کشور از داشته‌ها و

دستاوردهای خود و "دیگران" تأثیر دارد و این تفسیر در نوع رفتار خارجی اثرگذار است (Costalli, 2009: 327). بر این اساس، محیط خارجی ورودی اطلاعات به دولت‌ها از جمله در باب هزینه و فایده یک رفتار است و رهبران با پردازش این اطلاعات به کنش خارجی دولت‌ها شکل می‌دهند (Kitchen, 2010: 143).

واقع‌گرایی نوکلاسیک با نگاه چندبعدی خود به رویکردی بین‌نظری تبدیل می‌شود، به این معنا که با تأکید بر عوامل مادی از جمله مولفه‌های نظامی و اقتصادی به واقع‌گرایی نزدیک می‌شود و با در نظر داشت مولفه‌های غیرمادی از جمله برداشت‌ها و ادراکات، حاوی مبانی سازه‌انگار می‌باشد. با نگاه سازه‌انگار، امکان محاسبه منافع و انگیزه‌های خاص دولت‌ها از جمله پرستیژ، اعتبار و غرور ملی که در دیگر نظریه‌ها به آن توجهی نمی‌شود، در این نظریه فراهم است (Schweller, 2004: 168).

در مجموع، واقع‌گرایی نوکلاسیک با تأکید بر اهمیت سطح داخل، فضای جدیدی برای تحلیل رفتارها در سیاست بین‌الملل ایجاد می‌کند. هرچند برخی این نظریه را نسخه نادقیق و انحرافی از واقع‌گرایی می‌دانند، اما استفاده آن از سطح تحلیل داخلی مقومی بر دیدگاه‌های واقع‌گرا از جمله واقع‌گرایی ساختاری است (Rathbun, 2008: 295). در چهارچوب این نظریه می‌توان از تنوعی از مفاهیم مختلف روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از جمله نظریه موازنه تهدید استفان والت، الگوی بسیج سیاسی توماس کریستینسن، مفهوم موازنه منافع راندل شولر، نظریه موازنه ریسک جفری تالیافرو، الگوی اجرایی سیاست خارجی استیون لوبل و الگوی استراتژی کلان نیکلاس کیچن استفاده کرد (He, 2017: 137).

از آنجا که از دید این نوشتار، محرکه‌های اقدام روسیه در جنگ اوکراین ترکیبی از متغیرهای سطح داخل از جمله نوع خاص ادراک تهدید مقامات کرم‌لین و همچنین عناصر سیستمی از جمله ساختار بین‌الملل است، لذا واقع‌گرایی نوکلاسیک چهارچوب بهتری برای توضیح موضوع پژوهش فرض شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. موضوعیت و هزینه‌های جنگ ۲۰۲۲ اوکراین برای روسیه

روسیه به عنوان یکی از طرف‌های اصلی جنگ ۲۰۲۲ اوکراین تقریباً با همه سطوح و موضوعات مرتبط با این جنگ درگیر شده است. در سطوح تحلیل مختلف فردی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی؛ در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، اجتماعی، هویتی، حقوقی و ...؛ با کنشگران دخیل مختلف از اوکراین تا اروپا، آمریکا و ...، در مقولات کلانی چون ثبات و موازنه راهبردی؛ اقتصاد بین‌الملل از جمله امنیت انرژی و امنیت غذایی؛ نظم‌های بین‌الملل و منطقه‌ای از جمله در اروپا و اوراسیای مرکزی؛ در معادلات قدرت‌های بزرگ؛ مسائل اجتماعی بین‌المللی از جمله افکار عمومی بین‌الملل و در جنگ روایت سهم و اثر روسیه دیده می‌شود. طبعاً در یک نوشتار نمی‌توان به تمام این موضوعات پرداخت و با توجه به تمرکز این مقاله بر راهبرد "دفاع تهاجمی" روسیه، تأکید بر این است که امنیت کلیدواژه مهم فهم چرایی ورود مسکو به جنگ ۲۰۲۲ اوکراین است. در فهم روسی این جنگ نه با اوکراین، بلکه جنگی نیابتی با آمریکا/ناتو و لذا، سطح تحلیل بین‌الملل پراهمیت است. اشاره پوتین به اینکه آمریکا/غرب اوکراین را به یک مستعمره تبدیل کرده و از مردم آن به عنوان سوخت جنگ استفاده می‌کند، تأییدی بر این مدعا است (Putin: The West ..., 2022). هرچند پوتین عملگرها همواره از تقابل مستقیم و حتی نیابتی با آمریکا احتراز داشته، اما چرایی ورود و ادامه جنگ اوکراین سؤال مهمی است که پاسخ به آن در وهله نخست نیازمند بازبررسی هزینه‌های مسکو از جمله به قرار زیر است؛

۴-۱-۱. سطح ملی

- (۱) تضعیف نسبی چهره پوتین به عنوان یک رهبر بدون اشتباه، استراتژیست، مرد ثبات
- (۲) تضعیف نسبی فرض کارآمدی کرملین در راهبری سیاست خارجی
- (۳) افزایش نسبی طیف خاکستری در قالب مخالفین یا حداقل ناموافقان با اصل یا ادامه جنگ و به تبع آن کاهش نسبی حمایت از پوتین و کرملین در فضای نخبگی، اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی روسیه (مستقیم و غیرمستقیم)

- (۴) رابطه مستقیم میان جنگ فرسایشی در اوکراین با فرسایش اجتماعی و اقتصادی در روسیه و به تبع آن کاهش حمایت از کرملین
- (۵) اجبار کرملین به هزینه‌کرد نظامی بیشتر و به تبع آن کاهش هزینه‌های عمرانی و رفاهی
- (۶) فشار اقتصادی و معیشتی به مردم روسیه به تبع تحریم
- (۷) امکان تبدیل ماهیت اقتصاد روسیه از یک اقتصاد توسعه‌محور، به یک اقتصاد بقاء‌محور در صورت تشدید تحریم‌ها

۴-۱-۲. سطح منطقه‌ای

- (۸) تقویت نظامی امریکا و ناتو در شرق اروپا به بهانه جنگ اوکراین
- (۹) از دست ژئوپولیتیک اوکراین (به رغم برخی دستاوردها، اوکراین را باید خارج از نفوذ روسی و نظم روس‌محور خارج نزدیک دانست)
- (۱۰) شکاف در کمر بند امنیتی روسیه (با نفوذ غرب در اوکراین و احتمال عضویت آن در ناتو)
- (۱۱) بی‌ثباتی و تنش نظامی در مرزهای مستقیم روسیه
- (۱۲) تقویت واگرایی از روسیه در سی‌آی‌اس (به تبع نگرانی از فشار غرب یا در واکنش به رویکرد سخت مسکو)
- (۱۳) تشدید موج روسیه‌هراسی در اروپا
- (۱۴) بیرون‌گذاری روسیه از نظم سیاسی و امنیتی اروپا / اختلال بلندمدت در روابط روسیه و اروپا

- (۱۵) نظامی‌شدن مرزهای روسیه با اروپا و خطر معمای امنیت

۴-۱-۳. سطح بین‌المللی

- (۱۶) تقابل پرهزینه نیابتی با امریکا
- (۱۷) بازیابی و تقویت اتحاد یوروآتلانتیکی میان اروپا و امریکا به بهانه جنگ و به ضرر روسیه
- (۱۸) بازیابی توان ائتلاف‌سازی امریکا با بسیج بیش از ۴۰ کشور علیه روسیه
- (۱۹) بازیابی و تقویت ناتو به بهانه جنگ و به ضرر روسیه
- (۲۰) گسترش ناتو با عضویت فنلاند و سوئد و نزدیک‌تر شدن اوکراین به ناتو

۲۱) قبض (انزوا) بین‌المللی روسیه (از جمله در آراء منفی علیه روسیه در (مصوبات بین‌المللی در باب جنگ))

۲۲) افت اعتبار ارتش روسیه به‌عنوان دومین ارتش بزرگ دنیا به‌تبع برخی ناکارآمدی در جنگ اوکراین

۲۳) تضعیف قدرت نرم و سیاه‌نمایی روسیه در عرصه بین‌الملل با جنگ رسانه‌ای و روایت علیه آن به‌عنوان طرف شر جنگ

۲۴) آسیب به موقعیت و راهبرد ابرقدرتی انرژی روسیه (به‌ویژه در روابط انرژی مسکو با اروپا) این لیست تنها بخشی از موضوعات و هزینه‌های روسیه است و هرچند برخی با اشاره به این هزینه‌ها، جنگ اوکراین را شکستی راهبردی برای مسکو می‌دانند، اما هزینه‌های بازگفته تا این زمان (مارس ۲۰۲۴ زمان نگارش مقاله)، نسبی و موقت هستند و نباید سناریوی پیشروی جبهه روسیه و تبدیل بخشی از هزینه‌ها به فرصت را از نظر دور داشت. تحولات ابتدای سال ۲۰۲۴ از جمله کاهش توان اروپا و آمریکا به کمک مالی به اوکراین یا احتمال به قدرت رسیدن ترامپ و توافق مسکو و واشنگتن نشانه‌هایی از این سناریو هستند. اما حتی در صورت پیشبرد موضع روسیه در جنگ نیز این هزینه‌ها عینیت خود را دارند. درهرحال، چرایی آغاز و ادامه این جنگ پرهزینه، سؤال مهمی است که پاسخ به آن هدف اصلی این پژوهش است. برای پاسخ به این سؤال باید سه مسئله‌ای که اوکراین و جنگ اوکراین را برای روسیه پراهمیت می‌کند تحلیل شوند؛

۲-۴. سه زمینه اهمیت‌دار اوکراین برای روسیه

۲-۴-۱. اهمیت سیاسی

تعبیر پوتین از فروپاشی شوروی به "بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیکی قرن ۲۰" (Shustova, 2015: 231) نشان‌نگاه خاص، حس خسارت و نایستگی این اتفاق است. این حس در قالب ناستالژی بزرگی تاریخی روسیه از یک‌سو و ظرفیت‌های این کشور برای نفوذگذاری بر ترتیبات بین‌المللی از سوی دیگر، پیشران‌های مهمی برای تلاش جهت احیاء جایگاه «قدرت بزرگی» آن محسوب می‌شوند. هرچند نمی‌توان با برخی گمانه‌ها مبنی بر تمایل پوتین به بازیابی

امپراتوری تزاری و شوروی موافق بود، اما باید پذیرفت که تمایل به احیاء قدرت بزرگی روسیه اصلی پایدار در سیاست خارجی مسکو است و تأثیر بسزایی در شکل‌دهی به رفتار خارجی آن دارد.

طبعاً بزرگی روسیه بدون بزرگی جغرافیای تاریخی آن یعنی بدون خارج نزدیک قابل تصور نیست. به همین دلیل، در اسناد مختلف سیاست خارجی و امنیتی روسیه، خارج نزدیک همواره اولویت اول منطقه‌ای روسیه بوده و است. برای تسلط بر این منطقه، روسیه به دنبال ایجاد رابطه ارگانیک با این کشورها همچون دوره شوروی بوده است (Mousaei and et al, 2023: 308). با این ملاحظه، روسیه که نسبت به دوره شوروی جغرافیاها و حوزه‌های نفوذ مختلفی از یوگسلاوی تا خاورمیانه و شرق اروپا را از دست داده، مایل نیست با قبض ژئوپلیتیکی بیشتری در حوزه نفوذ سنتی و در عین حال، حیاتی خود یعنی سی‌آی‌اس مواجه شود. چرا که این تحول به معنی خدشه به وجه سیاسی آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ تاریخی خواهد بود. از این‌رو است که اوراسیانیست‌ها از منظر تاریخی و رئالیست‌های روس از منظر عملیاتی بر اهمیت و ضرورت حفظ اوکراین، به‌عنوان جزء مهمی از جغرافیای خارج نزدیک در منظومه سیاسی-جغرافیایی-تاریخی روسیه تأکید دارند.

نظر به همین اهمیت است که امریکا پروژه واگرایی از مسکو در حوزه سی‌آی‌اس را به‌صورت جدی در دستور دارد و می‌داند با تحقق این امر روسیه و آرمان قدرت بزرگی آن تضعیف خواهد شد. تمرکز سال‌های اخیر واشنگتن بر اوکراین چه در قالب تحریک انقلاب‌های رنگی، تشویق عضویت در ناتو و ترغیب تعامل نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا از این‌منظر قابل تفسیر و به‌خاطر اهمیت چندبعدی کی‌یف در خارج نزدیک است. در این متن، پوتین تصریح دارد امریکا با بسترسازی جنگ اوکراین، از این جنگ برای تضعیف و حتی تقسیم روسیه استفاده می‌کند (Putin announced the ..., 2023).

۴-۲-۱. اهمیت هویتی

در کنار رویکرد سیاسی، اطلاق عنوان «خارج نزدیک» به حوزه سی‌آی‌اس نوعی نگاه هویتی به این جغرافیا را نیز متبادر می‌کند که در قالب مفهومی «جهان روسی» قابل فهم است. به عقیده کازلویتسوا ساخت این جهان هدفی راهبردی است که در چارچوب سیاست فرهنگی دولت روسیه دنبال می‌شود. در معنای کلی، جهان روسی یک فضای تمدنی، فراملی، اجتماعی و فرهنگی شامل مردمان مختلفی است که نشانه‌های روحی و ذهنی روس‌بودگی از جمله حساسیت نسبت به سرنوشت و جایگاه روسیه در عرصه بین‌الملل را دارند (Kozlovitseva, 2016: 292). به تبع اهمیت جهان روسی در مقوله هویت روسیه، این کشور از ابتدای دهه ۹۰ افزون بر تقویت و توسعه روابط دوجانبه با کشورهای اسلاوی یا کشورهای میزبان طیف اسلاو، تلاش کرده همگرایی منطقه‌ای روسیه‌محور با کشورهای غیراسلاوی را نیز توسعه دهد.

در برخی موارد از جمله در مورد گرجستان یا قزاقستان، مقوله علاقه نیز در میان نبوده و مسکو تلاش کرده این کشورها را با فشار با جهان روسی همراه کند. در این راستا، از اهرم‌های مختلف از جمله لابی و نخبگان روس‌گرا، وابستگی‌های موضوعی و ساختاری از جمله نیازهای امنیتی، اقتصادی و تسلیحاتی و نهادهای روس‌محور استفاده شده است. به این منظور، در بعد سیاسی سازمان کشورهای هم‌سود و شانگهای، در بعد امنیتی سازمان پیمان امنیت جمعی و در بعد اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا ایجاد شده‌اند تا ضمن، کارکرد عملیاتی، روندهای روس‌محور را در سی‌آی‌اس تداوم بخشند.

در جهان روسی، دولت‌های اسلاوی به‌ویژه اوکراین به دلیل پیوستگی‌های جغرافیایی، تاریخی، نژادی، زبانی و فرهنگی با روسیه از اهمیت بیشتری برخوردارند. دولت اولیه روسیه در قرن ۹ میلادی در کی‌یف شکل گرفت و دو کشور در بیش از هزار ساله اخیر در کنار هم بوده‌اند. جدایی سیاسی بعد فروپاشی شوروی نیز به معنی جدایی تاریخی و هویتی نبود. از این رو، اوکراین نه تنها در منظومه ژئوپلیتیکی، بلکه در امر هویتی نیز در جهان روسی پراهمیت است. خروج اوکراین از این جهان، پروژه هویتی روسیه بزرگ را با خلل مواجه کرده و می‌تواند الگویی برای خروج یا عدم الحاق سایرین به جهان روسی باشد. منفی‌تر اینکه این خروج مصادف با

تقویت جهت‌گیری‌های غربگرا در اوکراین و سی‌ای‌اس است. درک این تهدید باعث شده که اصطلاح "جهان روسی" به‌ویژه بعد از تحولات ۲۰۱۴ اوکراین و الحاق کریمه برجسته‌تر شود (Krivopuskov, 2016: 74).

۴-۲-۳. اهمیت امنیتی

فرض‌هایی چون تصور حضور در فضا ژئوراهبردی خاص و احساس ناامنی تاریخی عناصر ذهنی-امنیتی مهمی هستند که متأثر از فرهنگ سیاسی روسی است که خود تحت تأثیر نهادهای قدرت و ابزارهای سیاست است (Karimipour, 2023: 215). این ذهنیت تأثیر پایداری بر رفتار خارجی روسیه دارد و این تأثیر در خارج نزدیک و مورد اوکراین به دو دلیل؛ اول، اهمیت‌های سیاسی و هویتی بازگفته و دوم، سرایت‌پذیری بالای مسائل امنیتی از این جغرافیاها به سرزمین روسیه برجسته‌تر است. در این متن، خارج نزدیک از جمله اوکراین از دیرباز (چه دوره تزاری، شوروی و پسا شوروی) حکم حقله ضربه‌گیر و کمربند امنیتی روسیه را داشته است. به این معنی که این حوزه سنگر و مرز اول درگیری به دور از مرزهای اصلی روسیه تعریف می‌شده و هرگونه آرایش یا تحرکات نظامی-امنیتی دشمن (امریکا/ناتو) باید در این حلقه متوقف می‌شده است. برقراری روابط خاص نظامی، امنیتی، تسلیحاتی و استقرار پایگاه‌های نظامی در کشورهای این حوزه از اوکراین (کریمه) تا گرجستان (آبخازیا و اوستیای جنوبی)، بلاروس، تاجیکستان و ارمنستان، سیاست و تلاشی برای تحقق این هدف است. در مقابل، حساسیت بالا و واکنش سخت کرملین به کنش‌های امنیتی-نظامی امریکا/غرب در این حوزه از جمله در موضوعاتی چون گسترش ناتو به شرق حاکی از استمرار ذهنیت امنیت‌گرا به این منطقه است. ایده «مونروی روسی» و تأکید کرملین بر نایستگی نفوذ امنیتی-نظامی غرب در خارج نزدیک به‌ویژه در اوکراین در این متن قابل تعریف است. این ایده در دو از سه هدف اعلامی روسیه برای اقدام نظامی ۲۰۲۲ در اوکراین که ماهیت امنیتی دارند، یعنی ۱) غیرنظامی کردن اوکراین، ۲) بی‌طرف کردن و عدم عضویت آن در ناتو قابل بررسی است (Egorchenkov, 2023: 26).

اقدام نظامی روسیه در اوکراین نشان می‌دهد که این کشور منشأ تهدید یا تهدیدگر اصلی را امریکا، نوع تهدید را ساختاری مترتب بر تلاش امریکا برای تحکیم امنیت مطلق برای خود (به

ضرر دیگران) و منافع حیاتی مورد تهدید را عمق راهبردی خود می‌داند. لذا، سطح تهدید برای روسیه، سطح بین‌الملل، نزدیکی با تهدید و دشمن، زیاد و توان نظامی و نیات تهاجمی دشمن نیز کاملاً بالا است. با توجه به این درک تهدید سطح بالا، بسیاری از تحلیل‌گران از جمله کسینجر (Heisbourg, 2023:20) و والت (Walt, 2023) با عینی دانستن تهدید گسترش ناتو برای روسیه، تأکید داشتند چنین تحرکی با اخلال در امر موازنه حتماً مسکو را به واکنش و خواهد داشت. در ادامه، محتوای این درک تهدید در سطوح مختلف بررسی خواهند شد.

۳-۴. سطوح مختلف درک تهدید از جنگ اوکراین در روسیه

۳-۴-۱. سطح فردی؛ دکترین مونیخ

با توجه به ماهیت نظام سیاسی و سیاستگذاری خارجی فردمحور، تأثیر شخص پوتین در چرایی ورود روسیه به جنگ ۲۰۲۲ اوکراین بی‌تردید است. نظر به همین تأثیر اصطلاح پوتین‌شناسی (Putinology) کاربرد یافته (Frye, 2021:15) و از این رو برخی حمله به اوکراین را به پوتین و نه به روسیه نسبت می‌دهند. از این منظر، نوع برداشت خاص پوتین از این جنگ پراهمیت است. اولین گزاره مورد تأکید او "نقش مستقیم امریکا" در جنگ اوکراین است (Putin accused, 2023...) که تبارشناسی خاص خود را دارد. در این تبار دکترین مونیخ پوتین مترتب بر مخالفت با هژمونی طلبی زورمدارانه امریکا برجسته است. در چهارچوب این دکترین، او در سال‌های اخیر به تکرار به اقدامات و پروژه‌های ضدروسی امریکا/غرب اشاره داشته که نمود عینی آن در هجمه‌ها به منافع روسیه از اروپای شرقی تا سی‌ای‌اس و خاورمیانه و در گذشته دورتر در تقابل‌های دوره شوروی قابل مشاهده است.

بخشی از ذهنیت تهدیدمحور پوتین از امریکا به شخصیت حرفه‌ای پیشین او به‌عنوان نیروی اطلاعاتی-امنیتی کاگب شوروی در آلمان شرقی باز می‌گردد. او از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ در این سمت در متن روابط شوروی و امریکا بود و بزرگی روسیه در تقابل، رقابت و همپایگی استراتژیک، ایدئولوژیک، امنیتی، سیاسی و اقتصادی شوروی با امریکا/غرب را دید. اما از دهه ۱۹۸۰ همه این بزرگی‌ها با فروپاشی دیوار برلین، افول نفوذ شوروی در اروپا و جهان و در نهایت فروپاشی شوروی و در مقابل، پیروزی غرب فروپاشید. تلخ‌ترین خاطره از این مقطع، حمله نیروهای غربی

به آلمانی شرقی، آتش زدن اسناد از سوی پوتین و فرار او به روسیه است. خاطره این هجمه، تحقیر و فرار در ذهن امنیتی او برجسته است.

در دوره پساشوروی نیز پوتین شاهد یک دهه (۱۹۹۰) تحقیر و فلج روسیه بود که او و بسیاری دیگر، غرب و غربگرایان را از جمله با تشویق اصلاحات اقتصادی با نسخه غربی که منجر به فروپاشی اقتصاد شد، در این امر دخیل می‌دانند. پوتین همچنین شاهد تهاجم غرب به یوگسلاوی و تجزیه آن به عنوان حوزه نفوذ تاریخی روسیه در قلب اروپا، نفوذگذاری‌های چندلایه آن در حوزه سی‌آی‌اس و دخالت در امور داخلی روسیه به بهانه دموکراسی و حقوق بشر بوده است. با این ذهن انباشه از تهدید از ناحیه امریکا/غرب است که پوتین اوکراین را تنها ابزاری برای فشار بر روسیه می‌داند و تأکید دارد غرب جنگ در اوکراین را تحریک کرده و روسیه "به اجبار" وارد جنگ شده است (Putin called the ..., 2022). لذا، او جنگ اوکراین را جنگ نیابتی امریکا علیه روسیه و در چهارچوب راهبرد مهار مسکو می‌داند که به گفته او هدفش تضعیف، تخریب و نابودی روسیه است (Putin: the goal ..., 2022). از همین منشور، دمتری ترینین تأکید دارد پوتین اوکراین را سنگر آخری می‌داند که اگر از دست برود همه چیز از دست خواهد رفت (Trenin, 2021). تأثیر عامل فردی پوتین در ورود روسیه به جنگ اوکراین زمانی برجسته‌تر می‌شود که فرض کنیم اگر در رأس کرم‌لین فردی به جز او بود شاید جنگی در نمی‌گرفت. البته این به این معنا نیست که او تنها عامل جنگ است و باید با استفان والت موافق بود که شیطان‌سازی از پوتین صحیح نیست (Walt, 2022) و باید سایر عوامل را نیز در نظر گرفت. در کنار پوتین سایر مقالات کرم‌لین به‌ویژه سیلاویک‌های همراه او از جمله شایگو، وزیر دفاع و پاتروشف، دبیر شورای امنیت ملی نیز در خوائش خاص از نقش مستقیم امریکا در جنگ و در درک قوی تهدید از ناحیه واشنگتن با پوتین مشترکند. هرچند لاوروف سیلاویک نیست، اما او نیز با دیدی شبیه پوتین تأکید دارد هدف راهبردی امریکا، استفاده از جنگ برای تضعیف بنیادین و حتی نابودی روسیه است (Lavrov: The USA ..., 2022).

علاوه بر ذهنیت ضدغربی، اقتدارگرایی پوتین نیز در ورود روسیه به جنگ تأثیر داشته است. این دید که پوتین آغازکننده و پایان‌دهنده نهایی به جنگ است، مورد تأیید بسیاری است. با همین

نگاه زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین معتقد است جنگ تنها در صورت مرگ پوتین پایان خواهد یافت (Zelensky believes ..., 2022). به حتم پوتین در فرض‌های نادقیق روسیه پیش از آغاز جنگ از جمله در محاسبه واکنش اوکراین، توان نظامی روسیه و شدت واکنش غرب دخیل بوده است.

۴-۳-۲. سطح ملی؛ حس ناامنی تاریخی و بیرون‌گذاری

با توجه به ویژگی دولت‌گرای جامعه روسی، ادراک تهدید در سطح مردم از ناحیه اوکراین در تناظر نزدیک با نوع برداشت کرملین است. افکارسنجی‌ها از جامعه روسیه نشان می‌دهد آنها همانند دولت جنگ اوکراین را جنگ روسیه با آمریکا/ناتو می‌دانند و فشارها بر مسکو را تلاشی برای تغییر حیات اجتماعی و سیاسی کشورشان تلقی می‌کنند. هرچند مدیریت و هدایت افکار عمومی از سوی کرملین نقش بسزایی در این درک تهدید دارد، اما این درک متکی به برخی نمودهای عینی نیز می‌باشد. به‌ویژه نسل قدیم‌تر که عظمت دوره شوروی را درک کرده و چالش‌های داخلی و تحقیر بین‌المللی در دهه ۹۰ را دیده، همچون کرملین، غرب/آمریکا را در این تحولات تلخ دخیل می‌دانند.

البته که متغیرهای زمینه‌ای چون جنسیت، سن، محل زندگی (کلان‌شهر و شهر کوچک)، سطح تحصیلات، درآمد و ... در نوع برداشت و نگاه مردم روسیه به جنگ اوکراین تأثیرگذار است، اما همانگونه که نظرسنجی موسسه لوادا نشان می‌دهند، سطح حمایت از اقدام نظامی روسیه در اوکراین همچنان بالاست و سه چهارم روس‌ها معتقدند روسیه پیروز جنگ خواهد بود (Conflict with Ukraine ..., 2024). در رویکرد مردم، چند مولفه پراهمیت هستند. اول، حس ناامنی تاریخی در بدنه اجتماعی که در حافظه تاریخی روسی با تحولاتی چون تهاجمات مغول‌ها به روسیه (قرن ۱۳)، ناپلئون (ابتدای قرن ۱۹)، هیتلر (جنگ دوم جهانی) و تقابل‌های دوره شوروی با غرب طنین دارد. در حافظه کوتاه مدت نیز غرب عامل فروپاشی شوروی و آشفتگی‌های دوره پساشوروی تلقی می‌شود.

مقوله دوم، هجمه به هویت ملی روسی است که بالاتر به آن اشاره شد. در این رابطه، حداقل بخشی از جامعه روسیه با پوتین موافق است که ناتو و پروژه گسترش آن به شرق تهدیدی برای

"آینده تاریخی ما به عنوان یک ملت" است (Обращение Президента ..., 2022). از این منظر اجتماعی، کی‌یف بخش مهمی از هویت جهان روسی و بخشی از سرزمین بزرگ تاریخی روسیه قلمداد می‌شود که تاریخ این کشور از آن شروع شده، دولت روسی آنجا پایه‌گذاری شده و مذهب ارتدوکس از آنجا نشأت گرفته است. این نگاه در موافقت افکار عمومی روسیه با الحاق کریمه به روسیه دیده می‌شود. در این ارتباط، سامسونوف، تحلیل‌گر روس در واکنش به براندازی دولت روس‌گرای اوکراین در سال ۲۰۱۴، بر این اعتقاد است که فشار امریکا نه تنها تضعیف امنیت و ژئوپلیتیک روسیه، بلکه تضعیف هویت روسی را با جدا کردن اوکراین از «جهان روسی» نیز در دستور دارد (Samsonov, 2014).

الکساندر دوگین نیز معتقد است؛ "اگر شرق اوکراین را از دست دهیم، اوکراین به کریمه حمله می‌کند، اگر کریمه را رها کنیم، در مسکو تظاهرات شروع شده و به سقوط پوتین می‌انجامد و سپس "یورو-میدان" خود را خواهیم داشت" (Neef, 2014). تقسیم و تبدیل روسیه به "غیرخودی" و حتی "دشمن" در جامعه اروپایی که به بهانه جنگ اوکراین تشدید شده، نیز تهدیدی بلندمدت برای جامعه روسی محسوب می‌شود. نگرانی از همین مسئله باعث شد لاوروف مدعی شود امریکا با دامن زدن به مناقشه اوکراین در صدد نابود کردن روابط سنتی روسیه با اروپا است (Sergey Lavrov: it is ..., 2022). حذف و کنارگذاری روسیه و شهروندان آن از تحولات مختلف از تورنومنت‌های ورزشی تا منع پروازهای روسی به اروپا، مشکلات ویزایی، تحریم‌های اقتصادی و ... بخش‌هایی از این تهدید هستند.

۳-۳-۴. سطح منطقه‌ای: دومینوی تهاجم

در ژئوپلیتیک روسی دو حوزه «خارج نزدیک» (جغرافیای شوروی سابق) و «خارج دور» (سایر مناطق) و زیرمنطقه «خارج نزدیک‌تر» (دولت‌های اسلاوی - اوکراین و بلاروس) قابل تفکیک هستند. دلیل این تقسیم‌بندی اهمیت چندبعدی امنیتی، سیاسی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و هویتی این منطقه برای روسیه از یک سو (که اشاره شد) و فرض پیوستگی این مقولات به ویژه امنیت، ثبات و حتی مسائل اجتماعی میان این منطقه و سرزمین روسیه از سوی دیگر است. به واسطه همین ماهیت رابطه‌ای، خارج نزدیک همواره اولویت اول منطقه‌ای روسیه و به تبع آن،

کنترل و ممانعت از نفوذگذاری سایر قدرت‌ها خصوصاً آمریکا/ناتو/اروپا از مهمترین اهداف مسکو بوده است.

تلاش برای حفظ وابستگی ساختاری کشورهای این حوزه به خود، اثرگذاری بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آنها، مخالفت با جریان‌های غربگرا و انقلاب‌های رنگی، ایجاد نهادها و روندهای روسیه‌محور و ممانعت از واگرایی از مسکو از تلاش‌های کرملین برای حفظ این منطقه در مدار خود است. مسکو با دخالت نظامی در گرجستان (۲۰۰۸)، الحاق کریمه (۲۰۱۴) و جنگ اوکراین (۲۰۲۲) سطح بالای حساسیت خود نسبت به این منطقه را مورد تأکید قرار داد. از زمان بروز اولین نشانه‌های واگرایی از روسیه در قالب انقلاب رنگی در اوکراین در سال ۲۰۰۴، کرملین این حساسیت را به کی‌یف، آمریکا، ناتو و اروپا گوشزد کرد و تلاش‌های ایجابی، سلبی و ایدایی مختلفی را برای ممانعت از نزدیکی اوکراین به آمریکا/غرب در دستور قرار داد. کسینجر بارها سطح بالای حساسیت روسیه نسبت به اوکراین را یادآور شده و واکنش سخت آن را قابل پیش‌بینی می‌دانست (Quinn, 2023). از دلایل این حساسیت، اهمیت منطقه‌ای اوکراین در گستره سی‌ای‌اس و اروپای شرقی به دو دلیل عمده است؛

اول اینکه اوکراین به طور سنتی رهبر جناح نارنجی (غربگرا/واگرا از روسیه) در خارج نزدیک بوده و اثرات پیشگامی یا دومینویی آن در منطقه مفروض بوده است. به این معنا که نزدیکی آن به ساختارهای آمریکایی/غربی مشوقی برای سایر اعضای جناح نارنجی از جمله گرجستان، مولداوی، آذربایجان و حتی ارمنستان برای اقدام مشابه است. طبعاً جریان‌یابی این امر، سیاست، هویت و امنیت روسیه را تهدید خواهد کرد. دوم اینکه، اوکراین با نقش مهم خود در جهان روسی و مرز گسترده با روسیه حلقه‌ای مهم از کمر بند امنیتی آن در سی‌ای‌اس است. در صورت الحاق اوکراین به ناتو مرز مستقیم روسیه و ناتو به حدود ۴۸۵۰ کیلومتر خواهد رسید. تحقق این امر با اثرات دومینویی آن یعنی احتمال عضویت گرجستان و برخی دیگر در ناتو، فاجعه امنیتی و ژئوپلیتیکی برای روسیه خواهد بود.

لذا، نظر به تأثیرات گسترده منطقه‌ای اوکراین، به نظر می‌رسد آمریکا این هدف را کاملاً آگاهانه انتخاب کرده است. نفوذ موفق در اوکراین می‌تواند حلقه مهار روسیه را تنگ‌تر کرده و تهدیدات

مختلفی از برهم خوردن موازنه راهبردی تا آسیب‌پذیر کردن عمق راهبردی، انقباض ژئوپلیتیکی و کاهش نفوذ روسیه در ترتیبات منطقه‌ای را در پی داشته باشد. به همین دلیل، روسیه تلاش آمریکا برای رخنه در اوکراین را بازی صفری می‌داند که کنشگری آن در سایر مناطق را نیز زیر تأثیر قرار می‌دهد. از این نظر روسیه خود را در یک رقابت منفی با آمریکا می‌بیند (Faraji, 2023: 204). نظر به همین تهدیدات، روسیه خود را در ناگزیر توسل به «زور» در اوکراین دیده است. در همین متن، استفان والت تأکید دارد نباید همه گناه جنگ ۲۰۲۲ اوکراین را به نیات شرورانه روسیه و پوتین نسبت داد و متغیر گسترش ناتو را در بروز این جنگ نادیده گرفت (Wal, 2022).

۴-۳-۴. سطح بین‌الملل؛ سیاست مهار تهاجمی

از نظر نوشتار حاضر، بی‌تردید سطح بین‌الملل مهم‌ترین سطح برای تحلیل جنگ ۲۰۲۲ اوکراین است و در میان متغیرهای این سطح رقابت/تقابل روسیه و آمریکا تأثیری موثر در آغاز و ادامه جنگ داشته است. طبق داده‌های موجود با محوریت آمریکا بیش از ۴۰ کشور کمک‌های مختلف نظامی و غیرنظامی به اوکراین ارسال داشته‌اند. در اشاره به صحنه‌گردانی آمریکا، پوتین تصریح دارد اوکراین حاکمیت خود را از دست داده و به ابزار سیاست خارجی واشنگتن علیه روسیه تبدیل شده است (Putin called Ukraine ..., 2022). مسکو مداخله آمریکا در جنگ اوکراین را حلقه‌ای از زنجیره به هم پیوسته راهبرد مهار علیه خود می‌داند که با همان ماهیت راهبرد مهار جرج کنان در دوره شوروی از یک سو، توسعه نفوذ، منافع و برتری آمریکا و درسوی دیگر، تحدید دامنه نفوذ و بازیگری روسیه و تبدیل آن به کنشگری دنباله‌رو را در دستور دارد (Noori, 2022a: 384).

در این رابطه، بند ۱۳ مفهوم سیاست خارجی روسیه (مارس ۲۰۲۳) با اشاره به کاربست سیاست بلندمدت ضدروسی آمریکا و جنگ جدید هیبریدی، تأکید دارد هدف این سیاست تضعیف همه‌جانبه روسیه است (Concept of foreign ..., 2023). بند ۲۱ راهبرد امنیت ملی روسیه (ژوئیه ۲۰۲۱) نیز با اشاره به کاربست مهار همه‌جانبه علیه روسیه، بر ضرورت دفاع همه‌جانبه تأکید دارد (National Security Strategy ..., 2021). با این ملاحظه، نوع کنش مسکو در رابطه با

اوکراین از الحاق کریمه تا جنگ ۲۰۲۲ تنها از منشور رقابت/تقابل آن با آمریکا و بازی ژئوپلیتیکی صفر آنها قابل فهم است. مسکو عقب‌نشینی از اوکراین را مرادف با جای گرفتن آمریکا در این کشور، انتقال فضای رقابت/تقابل به مرزهای اصلی روسیه، تقویت رویکردهای غربگرا در سی‌آی‌اس و سپس در خود روسیه و ... می‌داند. در سطح منطقه‌ای، مسکو با محدود شدن نفوذ در سی‌آی‌اس و بیرون‌گذاری بیشتر از تحولات اروپا مواجه شده و در عرصه‌های دیگر نیز مجبور به امتیازدهی خواهد شد. در عرصه بین‌الملل نیز توازن راهبردی به نفع واشنگتن تغییر کرده و با تحمیل برتری آمریکا مواجه می‌شود. نظر به این خسارات، پوتین جنگ اوکراین را مسئله مرگ و زندگی می‌داند (Putin called what ..., 2024).

از منشور واقع‌گرایی روسی هر گام به جلوی آمریکا مصادف با یک گام به عقب از سوی روسیه است. مهم‌تر اینکه، انفعال یا عقب‌نشینی در برابر آمریکا می‌تواند پیام «بدی» برای دوستان مسکو باشد. از جمله اینکه نمی‌توان با یک روسیه ضعیف ائتلاف‌سازی کرد. از سوی دیگر، جبهه مقاوم در برابر آمریکا و تجدیدنظرطلب در عرصه بین‌الملل با تضعیف روسیه نیز تضعیف شده و آمریکا پس از روسیه با قوای بیشتر سراغ سایر نیروهای مقاوم از جمله چین در سطح بین‌الملل و ایران در سطح منطقه‌ای خواهد رفت. از نظر مسکو این معادلات در شرایط حساس فعلی گذار نظم بین‌الملل به نظم جدید پراهمیت‌تر هستند، چرا که ضعف یا فرصت‌طلبی راهبردی در این مقطع می‌تواند در موقعیت‌یابی در نظم آتی تأثیر مستقیم داشته باشد.

تحلیل مشابه سطح بین‌المللی در آمریکا نیز وجود دارد. به این معنا که اگر روسیه تضعیف نشود، جبهه تجدیدنظرطلب جسورتر شده و فضاهاى بیشتری را از آمریکا خواهد گرفت. تضعیف مسکو از این نظر هم مهم است، چرا که با نیروهای مقاوم منطقه‌ای چون ایران و در بین‌المللی چون چین ارتباط دارد و ائتلاف آن با هر یک از این نیروها می‌تواند عرصه منطقه‌ای یا بین‌المللی را برای آمریکا تنگ کند. در مقابل، اگر روسیه تضعیف شود، این ائتلاف‌ها نیز تضعیف شده و آمریکا موقعیت برتر خود در نظم بین‌الملل را تثبیت می‌کند. در این متن، مهار روسیه برای واشنگتن از طرق مختلف حتی جنگ نیابتی پراهمیت است. نظر به این اهمیت، وزیر دفاع آمریکا

با تأکید بر استمرار کمک به اوکراین، تأکید دارد اگر اوکراین در جنگ شکست بخورد، ناتو مجبور به ورود به جنگ می‌شود (NATO Will Be ..., 2024).

۵. تجربه تحلیل داده‌ها

۵-۱. دفاع تهاجمی روسیه در جنگ اوکراین

نظر به موارد بازگفته از جمله اهمیت سه گانه سیاسی، هویتی و امنیتی اوکراین برای روسیه، به‌ویژه فهم جنگ ۲۰۲۲ به‌عنوان جنگ نیابتی واشنگتن علیه مسکو در قالب راهبرد مهار و سایر اقدامات ضدروسی امریکا، کرملین به این نتیجه رسیده که دفاع تهاجمی فعال راهبرد موثرتری نسبت به سایر راهکارها از جمله مصالحه برای دفع تهدیدات از این ناحیه است. از میان دلایل مختلف، دو دلیل عمده را می‌توان برای چرایی اتخاذ این راهبرد برشمرد؛

۵-۱-۱. تجربه ناموفق مصالحه و پیوستار تهدیدات تهاجمی امریکا

هرچند روسیه در برخی مقاطع از جمله دوره یلتسین، دوره اول پوتین (ابتدای دهه ۲۰۰۰) یا در دوره مدویدیف (پروژه «ری‌ست») مصالحه و تعامل را با امریکا در دستور داشته، اما خود را با امریکایی مواجه دیده که هیچ فضایی برای بازیگری مستقل مسکو قائل نبوده است. به‌تبع مخالفت مسکو با این رویکرد، واشنگتن تلاش کرده با کنش‌های تهدیدی و اجبارآمیز مختلف در قالب راهبرد مهار در حالت مطلوب روسیه را تبدیل به بازیگر تابعی کند که بدون چانه و چالش برتری امریکا را بپذیرد یا حداقل از سطح چالش‌زایی موثر آن بکاهد.

پیوستار تهدیدات و اقدامات ضدروسی واشنگتن در این قالب از جنگ یوگسلاوی تا نفوذگذاری و انقلاب‌های رنگی در حوزه سی‌آی‌اس، دربرگیری نظامی از جمله امواج گسترش ناتو و سپر ضد موشکی، دخالت در امور داخلی روسیه، جنگ رسانه‌ای برای سیاه‌نمایی آن در عرصه بین‌الملل، تحریم اقتصادی، تلاش برای انزوای سیاسی و مشهود است. تشدید اختلافات و تهدیدات در سال‌های اخیر در موضوعاتی چون گسترش ناتو، سوریه، کریمه و اوکراین، سبب درک عمیق‌تری از ماهیت تهاجمی سیاست واشنگتن و پیوستگی معنادار اجزاء این سیاست زورمدارانه و توسعه‌طلبانه در کرملین شده است (Noori, 2022b: 598).

اصرار امریکا بر پیشبرد زنجیره تهدیدات و ادامه فشار تهاجمی بر روسیه، کرملین را متقاعد کرده که واشنگتن مایل به رها کردن سیاست "مهار و کنترل" نیست و حتی با تقابل مستقیم در قالب جنگ نیابتی ۲۰۲۲ اوکراین بر احیاء هژمونی از دست رفته خود تأکید دارد. مسکو تأکید آستین، وزیر دفاع امریکا که آشکارا تصریح کرد هدف کمک امریکا به اوکراین تضعیف روسیه است (U.S. Aims to ..., 2022)، را در این راستا می‌داند.

در این بین، گسترش ناتو به شرق به‌ویژه به حوزه خارج نزدیک برای مسکو حساسیت بیشتری دارد. مرزهای روسیه با ناتو پس از عضویت فنلاند از حدود ۱۲۱۰ به حدود ۲۵۵۰ کیلومتر افزایش یافت. با عضویت سوئد نیز دریای بالتیک (محل استقرار مهمترین ناوگان دریایی روسیه) در محاصره ناتو قرار گرفته است. در صورت پیوستن اوکراین به ناتو، با توجه به مرز گسترده ۲۲۹۵ کیلومتری آن با روسیه (۱۹۷۴ کیلومتر زمینی و ۳۲۱ کیلومتر دریایی) طول مرزهای این سازمان با روسیه به حدود ۴۸۵۰ کیلومتر افزایش خواهد یافت. معنی این تحول چیزی جز برهم خوردن توازن راهبردی به ضرر روسیه و آسیب‌پذیر شدن عمیق راهبردی آن با صحنه‌گردانی امریکا نیست.

۵-۲. تغییرات ساختاری در نظم بین‌الملل و افزایش اعتماد به نفس روسیه

پس از فروپاشی شوروی، امریکا در لحظه تک‌قطبی و در قالب نظم هژمونیک تبدیل به قدرت برتر نظم جدید شد. برای بهره‌برداری از مزایای متنوع ناشی از این موقعیت، واشنگتن از یک‌سو تلاش‌های مختلفی را برای حفظ برتری خود در این نظم از طریق نهادسازی و شبکه‌سازی و از سوی دیگر، هضم، مدیریت و مهار نیروهای مقاوم در دستور داشته است. اما این رویکرد از طرف سایر بازیگران بین‌المللی پذیرفته نشده است. روسیه به واسطه پیشینه قدرت بزرگی در دوره تزاری، رقابت با امریکا در دوره شوروی و آرمان قدرت بزرگ در دوره پساشوروی از جمله مخالفین برتری امریکا است و پتانسیل زیادی برای تبدیل شدن به نیرویی چالش‌ساز دارد. این مخالفت در دهه ۹۰ به دلیل مشکلات مختلف داخلی امکان عملیاتی شدن نداشت، اما از ابتدای دهه ۲۰۰۰ با به قدرت رسیدن پوتین و بهبود نسبی منابع داخلی و خارجی اعتماد به نفس بیشتری در کرملین برای مقاومت در برابر امریکا ایجاد شده است.

اما متغیری که فضای بازی بیشتری برای مسکو فراهم کرده، تحول ساختاری در نظم بین‌الملل و گذار به نظم جدید است که با تضعیف نسبی برتری امریکا و تضعیف مکانیسم‌های نظم‌دهنده نظام از جمله نهادهای امریکامحور همراه است. مسکو تلاش کرده از سرگردانی راهبردی امریکا در این وضعیت که در خروج آشفته آن از افغانستان، بی‌برنامه‌گی در خاورمیانه، چالش با برخی شرکاء، فقدان راهبرد موثر در مواجهه با چین و ... نمایان است، استفاده ببرد. روسیه از وضعیت فعلی بین‌المللی چهار برداشت دارد؛ (۱) کاهش تسلط امریکا/غرب بر امورات، (۲) واقعی‌تر شدن جهان چندقطبی، (۳) بیشتر مخرب و کمتر سازنده بودن سیاست خارجی امریکا و (۴) ضرورت پیگیری مجدانه استقلال روسیه در سیاست بین‌الملل. به‌رغم این تغییرات، امریکا همچنان بر اعاده هژمونی از دست رفته خود از طریق تقابل و مهار نیروهای چالش‌زا تأکید دارد و سهم‌دهی به آنها را نمی‌پذیرد. در این شرایط، در مقابل اصرار امریکا به فشار تهاجمی بر مسکو، روسیه به این نتیجه رسیده که می‌تواند و باید به شیوه‌ای ایجابی - تهاجمی از منافع و امنیت خود دفاع کند. لذا، پا به پای تحول در محیط امنیتی و تهدیدات، نگرش و گفتمان سیاسی در کرملین نیز تحول یافته و بازنگری شدند (Karami, 2022: 45).

در این فضا راهبرد دفاع تهاجمی انتخاب شده که نمادهای آن در برخی کنش‌های مسکو از جنگ گرجستان تا الحاق کریمه، مداخله نظامی در سوریه، جنگ ۲۰۲۲ اوکراین، تقویت نهادهای غیرغربی از جمله شانگهای و بریکس، معرفی خود به‌عنوان وزنه تعادل امریکا در خاورمیانه، نفوذگذاری در امریکای جنوبی از جمله ونزوئلا، تلاش برای تقویت جهان جنوب و ائتلاف‌سازی با نیروهای ضد هژمون چون چین و ایران قابل مشاهده است. سرگئی کاراگانوف، با استقبال از رویکرد فعال و تهاجمی کرملین، آن را نشانه‌ای از عزم مسکو برای تغییر قواعد بازی تحمیلی از سوی غرب می‌داند (Karaganov, 2014).

قید دفاعی در این راهبرد ناظر به این واقعیت است که در بسیاری موارد کنش تهاجمی از سوی امریکا آغاز شده و روسیه خود را در بایستگی دفاع دیده است. قد تهاجمی ناظر به رویکرد ایجابی مسکو برای کنش مبتکرانه است. در همین متن، پوتین با رد ادعاهای رفتار تهاجمی روسیه در جنگ اوکراین، تأکید دارد که این ناتو بوده که به مرزهای روسیه نزدیک شده و نه برعکس.

روس‌ها مصرانه بر این اعتقادند که به تبع تحلیلِ توان بازدارندگی روسیه در اروپا بود که واشنگتن احساس کرد می‌تواند تغییراتی در نقشه اروپا ایجاد و با تهاجم به یوگسلاوی این کشور را از حوزه نفوذ مسکو خارج کند.

به اعتبار همین تجربه، روسیه انفعال در برابر غرب در اوکراین را آغازی بر از دست رفتن «خارج نزدیک» و آرمان احیاء موقعیت «قدرت بزرگ» خود می‌داند. لذا، در این بازی صفر-همچنانی که غرب و اوکراین می‌دانند که عقب‌نشینی در برابر پوتین می‌تواند عواقب منفی داشته باشد، مسکو نیز تسامح در برابر غرب را مصادف با خسارات جبران‌ناپذیر می‌داند و لذا، بر رویکرد ایجابی و پیش‌دستانه در جنگ اوکراین تأکید کرده است. تأکید پوتین بر بازسازی کامل هسته‌ای روسیه و آمادگی برای استفاده از آن در صورت گسترش تنش، نمایی دیگر از رویکرد دفاع فعال کرملین است (Address of the President ..., 2024).

۲-۵. چالش‌های دفاع تهاجمی فعال

هرچند راهبرد دفاع تهاجمی فعال روسیه در برخی موارد از جمله الحاق کریمه و اقدام نظامی در سوریه به صورت نسبی موفق بوده (Noori and Masudi, 2022: 174)، اما بروز برخی هزینه‌ها و چالش‌ها که در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین نمایان شد، روسیه را به دلایل زیر در تکرار آن به احتیاط وامی‌دارد؛

۲-۵-۱. دام دکترین برژنف

طبق دکترین برژنف (حاکمیت محدود) هر تهدید به عضوی از بلوک شوروی در اروپای مرکزی و شرقی تهدید به کل این بلوک است و مسکو حق دخالت برای دفع تهدید را دارد (Stykalin, 2019: 66). راهبرد دفاع تهاجمی فعال می‌تواند در دام این رویکرد مداخله‌گر بیفتد که نتیجه آن بعضاً تنش‌های بزرگ و کوچکی خواهد بود که ورود به آن آسان، خروج از آنها نامشخص و هزینه‌های آن زیاد است. از سویی، تهدید آنگونه که در کرملین درک می‌شود، ممکن است حیاتی نباشد و مسکو یا با محاسبه اشتباه یا با اعتماد به نفس کاذب و برای نمایش قدرت به دام مداخله تهاجمی پرهزینه بیفتد. قدرت روایت‌سازی قوی غرب در استفاده حداکثری از

اشتباه احتمالی روسیه و تصویرسازی از آن به‌عنوان یک شرّ تخریب‌گر (که در جنگ اوکراین دیده شد) را نیز نباید نادیده گرفت.

۲-۲-۵. عدم کفایت و نامتنوع بودن منابع و ابزارها

طبعاً کاربست راهبرد دفاع تهاجمی فعال نیازمند منابع و ابزارهای مختلف و نه تنها نظامی و سیاسی، بلکه اقتصاد، اجتماعی، رسانه‌ای و قدرت نرم در داخل و خارج است. حال آنکه اهم منابع موجود روسیه نظامی و سیاسی است و در سایر حوزه‌ها به‌ویژه اقتصادی و تا حدی اجتماعی با ضعف روبه‌رو است. فشار تورمی ناشی از تحریم‌ها در روسیه قابل کتمان نیست. نسل قدیمی در این کشور هرچند مخالف امریکا است، اما ضرورتاً موافق تقابل با امریکا نیست. برای نسل جدید نیز اساس این تقابل زیر سوال است. در جنگ روایت نیز روسیه فاقد ابزارهای لازم برای مقابله با روایت غربی است. ناتوانی آن در جاناندازی روایت خود در مقابل روایت غرب در جنگ اوکراین که به گسترش طلبی و تلاش برای احیاء امپراتوری وانمود شد، نمودی از این ضعف است.

۲-۳-۵. چالش هزینه‌های تقابل با امریکا

اصرار امریکا بر بازیافت موقعیت برتر خود در نظم بین‌الملل مانعی مهم برای پیشبرد راهبرد دفاع تهاجمی روسیه است، چرا که واشنگتن آن را کنش معارضی می‌داند که نه تنها می‌تواند از نفوذ امریکا بکاهد، بلکه تبدیل به الگویی برای تجدیدنظرطلبان شود. از این جهت، پیروزی بر روسیه در جنگ نیابتی اوکراین برای واشنگتن حیاتی است. با آگاهی از این خطر، امریکا برای محدود کردن مسکو و راهبرد دفاع تهاجمی آن در حال هزینه‌کرد زیاد است. هرچند برخی در کرملین فشارهای واشنگتن را اثرمند نمی‌دانند، اما حجم فشارها بعد از جنگ اوکراین و هزینه‌های اشاره شده در ابتدای مقاله، نشان داد که نمی‌توان به آن بی‌اعتنا بود.

۲-۴-۵. احتمال واگرایی بیشتر در سی‌ای‌اس و شکاف بیشتر در کمر بند امنیتی

تأکید روسیه بر راهبرد دفاع تهاجمی در حوزه سی‌ای‌اس که با مداخله در این حوزه همراه است و همچنین کنش‌های سخت آن در جنگ‌های گرجستان و به‌ویژه اوکراین قدرت نرم مسکو در این منطقه را کاهش داده و به روند واگرایی از آن شتاب بیشتری داده است. در این رابطه می‌توان

به قزاقستان و ارمنستان اشاره کرد که بعد از جنگ اوکراین تمایل به فاصله‌گیری از مسکو را آشکارا نشان داده‌اند. هرچند این امر دلایل متعدد دارد، اما کاربست زور و سیاه‌نمایی چهره آن از سوی غرب در این امر تأثیر موثر داشته است. طبعاً غرب به این واگرایی بیشتر دامن خواهد زد و این مسئله تکرار راهبرد دفاع تهاجمی را با مشکل مواجه می‌کند.

۵-۲-۵. ضعف در قدرت شبکه‌ای (ائتلاف‌سازی)

کاربست راهبرد دفاع تهاجمی در برابر قدرت شبکه‌ای امریکا نه تنها مستلزم تجمیع توانمندی‌های خودیاور، بلکه ائتلاف‌سازی با سایر نیروهای مقاوم/مخالف با امریکا نیز است. حال آنکه روسیه بنا به طبع واقع‌گرای سیاست خارجی و بی‌اعتمادی به محیط بین‌الملل امکان ائتلاف‌سازی پایدار ندارد. ائتلاف‌های تاکتیکی آن با چین یا ایران ماهیتاً شکننده‌اند. از جمله می‌توان به فاصله‌گیری پکن از مسکو در جنگ اوکراین اشاره کرد. ایران نیز به‌رغم ارائه پهباد به روسیه، تلاش کرده فاصله خود را با جنگ اوکراین حفظ کند. درسوی دیگر، هرچند ترکیه و هند نیز به ائتلاف فشار علیه روسیه نپیوستند، اما در مقابل، در حمایت از روسیه نیز نبوده‌اند.

۵-۲-۶. ضعف در قدرت نهادی

امریکا در فشار علیه روسیه از توان نهادهای مختلفی چون ناتو، گروه هفت، اتحادیه اروپا، پارلمان اروپا، شرکت‌های بین‌المللی، فدراسیون‌های ورزشی و ... استفاده می‌کند. در مقابل، به‌رغم اینکه روسیه در برخی نهادهای منطقه‌ای از جمله سازمان شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا یا نهادهای بین‌المللی چون بریکس به‌عنوان عضو اثرگذار حضور دارد، اما از توان این نهادها برای پیشبرد سیاست‌های خود نمی‌تواند استفاده ببرد. حتی در سازمان پیمان امنیتی جمعی که روسیه اشراف بیشتری بر آن دارد نیز حمایتی هرچند لفظی انجام نشد.

۵-۲-۷. فردمحور بودن راهبرد دفاع تهاجمی

هرچند انتخاب راهبرد دفاع تهاجمی را باید انتخاب واقع‌گرای یک کارگزار دولتی در برابر تهدیدات عینی دانست، اما نمی‌توان تأثیر فرد پوتین در برساخت و پیشبرد این راهبرد از جمله در الحاق کریمه و آغاز جنگ ۲۰۲۲ را نادیده گرفت. هرچند فردمحوری خصیصه کلی سیاست خارجی روسیه است که البته برخی مزیت‌ها از جمله سرعت تصمیم‌سازی و امکان فرصت‌طلبی

راهبردی را دارد، اما چالش‌های آن قابل اغماض نیست. از جمله اینکه هر شکستی در راهبرد دفاع تهاجمی با حیثیت پوتین گره می‌خورد و این امر امکان اصلاح اشتباهات از جمله عقب نشینی در شکست احتمالی برای ممانعت از هزینه‌دهی بیشتر را با مشکل مواجه می‌کند.

۵-۲-۸. چالش اجماع و حمایت داخلی

کاربست موفق راهبرد دفاع تهاجمی نیازمند اجماع (حداقل نسبی) میان نخبگان و نهادها و میان مردم و کرملین است. در این باب، هرچند هم‌اوردی راهبردی با آمریکا و ضرورت مقاومت در برابر تهدیدات آن از جمله واکنش به گسترش ناتو به مرزهای روسیه مورد حمایت نسبی در روسیه است، اما تقابل نظامی، گسست از تمدن غرب (حداقل اروپا) و هزینه‌کرد زیاد اقتصادی برای این منظور حامیان زیادی ندارد. مخالفت‌های داخلی در روسیه در میان نسل جوان، مردم، برخی نظامیان یا نخبگان سیاسی و اجتماعی با آغاز یا ادامه جنگ اوکراین، چالشی برای ادامه این راهبرد در اوکراین یا تکرار آن در سایر موارد است.

۶. نتیجه‌گیری

مسکو اصرار واشنگتن به پیشبرد اهداف خود در اوکراین از انقلاب رنگی، دخالت سیاسی، کمک نظامی، پیشنهاد عضویت در ناتو و ... را حلقه‌ای از راهبرد مهار تهاجمی علیه خود می‌داند که عدم پاسخ به آن می‌تواند هویت فراگیر روسی، قدرت بزرگی و عمق امنیتی روسیه را با مشکل مواجه کند. درک تهدید از این ناحیه در سطوح مختلف تحلیل نظریه‌نویان گرایان از سطح فردی نخبگان تصمیم‌ساز از جمله نگاه سخت‌انگار پوتین به امنیت تا جامعه، دولت و در سطح کلان از ناحیه ساختار و فشارهای سیستمی احساس شده و مسکو خود را در ناگزیر پاسخ نظامی دیده است. از دید کرملین اوکراین سنگر آخری است که اگر فروبریزد خسارات منطقه‌ای و بین‌المللی آن گسترده خواهد بود. به‌ویژه اینکه تحولات اوکراین سرایت‌پذیری بالا و تأثیر دومینویی بر خارج نزدیک دارد. با این ملاحظه، چرایی ورود مسکو به جنگ پرهزینه ۲۰۲۲ اوکراین تنها از منشور امنیت و رقابت قدرت کلان آن با آمریکا قابل فهم است.

با توجه به اهتمام آمریکا به مهار تهاجمی روسیه، کرملین "راهبرد دفاع تهاجمی" مترتب بر ماهیت دفاعی و در عین حال مبتکرانه جهت خنثی کردن تهدید و در وهله بعد ایجاد فرصت‌های

جدید را راهکار بهتری برای تأمین منافع خود دیده است. هرچند کاربرت این راهبرد در گرجستان (۲۰۰۸)، کریمه (۲۰۱۴) و سوریه (۲۰۱۵) دست‌آوردهایی به شکل بازموازنه و تأخیر در گسترش ناتو داشته، اما هزینه‌های آن در جنگ ۲۰۲۲ اوکراین قابل چشم‌پوشی نیست. از جمله این هزینه‌ها گسترش ناتو (عضویت فنلاند و سوئد)، نزدیک‌تر شدن اوکراین به امریکا/ناتو، تشدید واگرایی از روسیه در خارج نزدیک و بیرون‌گذاری مسکو از نظم سیاسی و امنیتی اروپا هستند. این هزینه‌ها، مسکو را در آینده به احتیاط بیشتر در کاربرت "راهبرد دفاع تهاجمی" واخواهند داشت.

۷. قدرت‌دانی

نگارنده قدرت‌دان مسئولین محترم فصلنامه ژئوپلیتیک و داوران محترمی است که به انتشار این مقاله مساعدت کردند.



References

1. Address of the President of the Russian Federation (February 24, 2022). Official website of the President of Russia. abalibale at: <http://kremlin.ru/events/president/news/67843>. **[In Russian]**
2. Address of the President to the Federal Assembly" (February 29, 2024). official website of the State Duma. abalibale at: <http://duma.gov.ru/news/58905/>. **[In Russian]**
3. Becker, M.E; Cohen, M.S; Kushi, S; McManus, I.P (2016). "Reviving the Russian empire: The Crimean intervention through a neoclassical realist lens". *European Security*, 25(1): 112–133.
4. Concept of foreign policy of the Russian Federation (March 31, 2023). Russian Foreign Ministry. abalibale at: <https://www.mid.ru/ru/detail-material-page/1860586/>. **[In Russian]**
5. Conflict with Ukraine: Estimates of the End of 2023 – Beginning of 2024 (February 06, 2024). LEVADA CENTER. abalibale at: <https://www.levada.ru/2024/02/06/konflikt-s-ukrainoj-otsenki-kontsa-2023-nachala-2024-goda/>. **[In Russian]**
6. Costalli, S (2009). Power over the Sea: The Relevance of Neoclassical Realism to Euro-Mediterranean Relations. *Mediterranean Politics*, 14(3): 323–342 .
7. Egorchenkov, D.A. (2023). "What Tools Does Ukrainian Propaganda Use and Why Are They Effective?". *Review. NCPTL*. 1 (32): 25-28. **[In Russian]**
8. Faraji, M. (2023). Russian Foreign Policy Strategies in the Middle East Region. *Geopolitics Quarterly*, 19(71): 187-214. **[In Persian]**
9. Frye, T (2021). *Weak Strongman: The Limits of Power in Putin's Russia*. Princeton University Press.
10. Giorgi, G; Lebanidze, B; Siroky, D.S. (2019). Neoclassical realism and small states: systemic constraints and domestic filters in Georgia's foreign policy, *East European Politics*, 35 (1): 21-51.
11. Giorgi, G; Siroky, D.S; Lebanidze, B; Iashvili, Z (2013). "Thinking Outside the Bloc: Explaining the Foreign Policies of Small States." *Security Studies* 22 (1): 98–131.
12. He, K (2017). Explaining United States–China relations: neoclassical realism and the nexus of threat–interest perceptions. *The Pacific Review*, 30(2): 133–151.
13. Heisbourg, F (2023). How to End a War: Some Historical Lessons for Ukraine. *Survival*. 65(4): 7-24.
14. Karaganov, Sergey (April 8, 2014). "Europe: Ending the Cold War." *Izvestia*. abalibale at: <http://izvestia.ru/news/568861>. **[In Russian]**
15. Karami, J. (2022). Leviathan's Security Strategy: Reflection of the Geopolitical Environment on the Thought of Russian Governance. *Geopolitics Quarterly*, 18(67): 31-69. **[In Persian]**

16. Karimipour, D. (2023). Geoeconomic Approach in Foreign Relations Analysis; Study of Russia's Relations with Western European Countries (Germany, France, Italy, Britain). *Geopolitics Quarterly*, 19(69): 207-244. **[In Persian]**
17. Kitchen, N (2010). "Systemic Pressures and Domestic Ideas: A Neoclassical Realist Model of Grand Strategy Formation." *Review of International Studies* 36 (1): 117-143.
18. Kozlovtsseva, N.A. (2016). The Russian world as a collective identity: 50 shades of Russian, in *Cultural memory and cultural identity: Materials of the All-Russian Scientific Conference of Young Scholars (XI Kolosnitsyn Readings)*. Ekaterinburg, Ural Press. 292-296. **[In Russian]**
19. Krivopuskov, V.V (2016). The concept of "Russian World" in sociological discourse: the aspect of civilizational identity. *Bulletin of ASU*. 184(3): 72-79. **[In Russian]**
20. Lavrov: The USA and NATO want victory over Russia "on the battlefield" to destroy our country (December 27, 2022). TASS. available at: <https://tass.ru/politika/16694843>. **[In Russian]**
21. Marsh, K (2012). Managing Relative Decline: A Neoclassical Realist Analysis of the 2012 US Defense Strategic Guidance. *Contemporary Security Policy*, 33(3): 487-511.
22. Marsh, K (2014). "Leading from behind": neoclassical realism and operation Odyssey Dawn. *Defense & Security Analysis*, 30(2): 120-132.
23. Mousaei, A; Yazdani, E; Basiri, M.A. (2023). The Importance of Ukraine and its Role in the Competition and Confrontation between Russia and the West. *Geopolitics Quarterly*, 19(71): 299-329. **[In Persian]**
24. National Security Strategy of the Russian Federation (July 02, 2021). Russian Security Council. available at: <http://www.scrf.gov.ru/security/docs/document133/>. **[In Russian]**
25. NATO Will Be Drawn into War with Russia if Ukraine Loses: Lloyd Austin (Feb 29, 2024), *NEWSWEEK*. available at: <https://www.newsweek.com/nato-will-drawn-war-russia-if-ukraine-loses-lloyd-austin-1874913>.
26. Neef, Christian (July 14, 2014). Alexander Dugin: "Any Westerner is a racist." *Inopressa*. available at: <https://www.inopressa.ru/article/14jul2014/spiegel/dugin>. **[In Russian]**
27. Noori, A (2022a). The Nature of Russian and Chinese Revisionism; Iran's Policy and Interests. *Central Eurasia Studies*, 14(2): 379-396. **[In Persian]**
28. Noori, A (2022b). Russia and Changing International Order; Approach and Practice. *World Politics*, 11(4): 597-624. **[In Persian]**
29. Noori, A; Masoudi, H (2022). "Re-Focusing on Iran-Russia Cooperation in the Syrian Crisis; A 'broader' Strategic Stability on Agenda". *Geopolitics Quarterly*. 17(4): 156-185.

30. Putin accused the US of plunging into the conflict in Ukraine (June 13, 2023). Lenta. abalibale at: https://lenta.ru/news/2023/06/13/putin_ukraine_usa/. **[In Russian]**
31. Putin announced the US desire to split and weaken Russia (October 30, 2023). INTERFAX. abalibale at: <https://www.interfax.ru/russia/928349>. **[In Russian]**
32. Putin called the operation in Ukraine a forced measure (February 24, 2022). TASS. abalibale at: <https://tass.ru/politika/13844765>. **[In Russian]**
33. Putin called Ukraine an instrument of US foreign policy (October 26, 2022). IZVESTIA. abalibale at: <https://iz.ru/1416257/2022-10-26/putin-nazval-ukrainu-instrumentom-vneshnei-politiki-ssha>. **[In Russian]**
34. Putin called what is happening in Ukraine a matter of life and death for Russia (February 18, 2024). Vedomosti. abalibale at: <https://www.vedomosti.ru/politics/news/2024/02/18/1020894-proishodyashee>. **[In Russian]**
35. Putin: the goal of the West is to weaken, divide and destroy Russia (September 21, 2022). TASS. abalibale at: <https://tass.ru/politika/15816309>. **[In Russian]**
36. Putin: The West has turned Ukraine into a colony and is using the Ukrainian people as cannon fodder (December 9, 2022). TASS. abalibale at: <https://tass.ru/politika/16546941>. **[In Russian]**
37. Quinn, J (2023). Henry Kissinger Reverses Opposition to Ukraine's NATO-Membership Bid. National Review. abalibale at: <https://www.nationalreview.com/corner/henry-kissinger-reverses-opposition-to-ukraines-nato-membership-bid/>.
38. Rathbun, B (2008). A Rose by Any Other Name: Neoclassical Realism as the Logical and Necessary Extension of Structural Realism. *Security Studies*, 17(2): 294–321.
39. Rosa, P; Benati, S; Foradori, P; Longoni, G.M (2020). Neoclassical realism and Italy's military behaviour, 1946–2010: a combined dyad/nation analysis, *Political Research Exchange*, 2(1): 1-21.
40. Rose, G. (1998). "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy." *World Politics* 51 (1): 144–172.
41. Saltzman, I.Z. (2015). "Growing Pains: Neoclassical Realism and Japan's Security Policy Emancipation." *Contemporary Security Policy* 36 (3): 498–527
42. Samsonov, A (2014). "The goal of the Ukraine project is the destruction of the Russian world." *Russian world*. available at <http://russsmir.info/pol/5203-cel-razrushenie-russkogo-mira.html>. **[In Russian]**
43. Schweller, R.L (2004). Unanswered threats: a neoclassical realist theory of underbalancing. *International security*. 29 (2): 159–201.
44. Sergey Lavrov: it is better to implement Russia's proposals on Ukraine promptly (December 27, 2022). TASS. abalibale at: <https://tass.ru/interviews/16693267>. **[In Russian]**

45. Shustova, Y.V (2015). The largest geopolitical catastrophe of the century: philosophical, political and legal understanding by the sovereign opposition of the early 1990s. VGAVT Bulletin. 44(6): 231-234. **[In Russian]**
46. Stykalin, A.S (2019). "The Doctrine of Limited Sovereignty" in the East European Policy of the USSR and Its Revision (1956–1989). HII/NP. 3: 60-79. **[In Russian]**
47. Trenin, D (2021). What Putin Really Wants in Ukraine. abalibale at: The Foreign Affairs. <https://www.foreignaffairs.com/articles/russia-fsu/2021-12-28/what-putin-really-wants-ukraine>.
48. U.S. Aims to Weaken Russia in Ukraine, Austin Says in Kyiv Visit (Apr 25, 2022). Bloomberg News. abalibale at: <https://www.bnnbloomberg.ca/u-s-aims-to-weaken-russia-in-ukraine-austin-says-in-kyiv-visit-1.1756393>.
49. Walt, S.M. (January 19, 2022). Liberal Illusions Caused the Ukraine Crisis. The Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2022/01/19/ukraine-russia-nato-crisis-liberal-illusions/>.
50. Walt, S.M. (September 22, 2023). The Morality of Ukraine's War Is Very Murky. Foreign Policy Magazine. <https://foreignpolicy.com/2023/09/22/ukraine-war-ethics-morality-murky/>.
51. Watai, Y (2021). Vested interests as a hidden driver of Japan's remilitarization: the case of BMD deployment through a neoclassical realist approach, The Pacific Review, 34(3): 437-468.
52. Zelensky believes war in Ukraine ends if Putin dies (December 12, 2022). The Kyiv Independent. <https://kyivindependent.com/zelensky-believes-war-in-ukraine-ends-if-putin-dies/>.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

